

نتانیاهو در آستانه رویارویی در هفت جبهه

**معادلات تل آویو برهم خورد**

در هفته‌های پس از اواخر ژوئیه، زمانی که اسماعیل هنیه، رهبر حماس در تهران و فؤاد شکر، فرمانده ارشد حزباً... در بیروت ترور شدند، گمانه‌زنی‌های زیادی درباره آغاز رویارویی در سطح گسترده‌تر در خاورمیانه مطرح شد. در همین راستا گروهی بر این باور بودند که اگر ایران و حزب‌ا... مواضع اسرائیل را هددف حملات مستقیم خود قرار دهند، آغاز درگیری در مقیاس منطقه‌ای امری دور از ذهن نخواهد بود. در چارچوب این سناریوی ادعایی، نیروهای اسرائیلی در آستانه ورود به دو جبهه تازه قرار داشتند. وقوع این جنگ منطقه‌ای در شرایط کنونی کم‌رنگ شده است. با این همه از ابتدای حمله حماس به اسرائیل، تل آویو نه با یک بازیگر بلکه رویاروی بازیگران و گروه‌های مختلفی قرار گرفت. یک روز پس از حمله حماس، حزب‌ا... از لبنان حملاتش به اسرائیل را آغاز کرد و تأکید داشت که تا زمانی که جنگ در غزه ادامه داشته باشد به حملات خود ادامه خواهد داد. اندکی پس از آن، انصارا... یمن با حزب‌ا... هم‌صدا شد و کشتی‌های بین‌المللی که به مقصد اسرائیل حرکت می‌کردند در دریای سرخ و دریای عرب را هددف حملات موشکی و پهپادی شان قرار داد. اعضای محور مقاومت مستقر در عراق و سوریه نیز اسرائیل را با هوایپماهای بدون سرنشین و موشک تهدید کرد‌اند. در اواسط آوریل، پس از انجام یک حمله هوایی اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، تهران با پرتاب بیش از ۳۵۰ موشک بالستیک، موشک کروز و هوایپماهای بدون سرنشین به اسرائیل پاسخ داد و از همان زمان فصل تازه رویارویی تهران و تل آویو کلید خورد.

**رویارویی در هفت جبهه**
اسرائیل از ابتدای جنگ در غزه در چندین جبهه درگیر بود اما مقیاس تنش‌ها بالا نبود. اگر اسرائیل یا دشمنانش تصمیم بگیرند در هر یک از جبهه‌ها تنش‌ها را افزایش دهند، این گزاره پیامدهای عمیقی برای امنیت و استراتژی اسرائیل به دنبال خواهد داشت. از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، اسرائیل جنگ تمام عیاری را در چندین جبهه به‌طور همزمان آغاز نکرده است. علاوه بر این رویارویی قدرت منطقه‌ای چون ایران نیز قرار نگرفته است. نر ای دهه‌ها اسرائیل بر تهدید بازیگران غیر دولتی تمرکز کرده است. از سال ۱۹۴۸، مفهوم امنیتی در اسرائیل مبتنی بر جنگ‌های کوتاه‌در قلمرو دشمن بوده است – رویکردی که به این بازیگر اجازه می‌دهد تا ضرات نظامی خود را به حداکثر برساند – و معایب اساسی خود چون قلمرو کوچک و جمعیت و همچنین فقدان عمق استراتژیک و منابع داخلی برای حمایت از کمین‌های طولانی را جبران کند. یک سال جنگ با شدت بالا و متوسط در غزه و درگیری با شدت محدود در مرز شمالی با لبنان این پارادام را به شدت تحت فشار قرار داده است. سال‌ها آشنفتگی سیاسی در داخل اسرائیل، قدرت این بازیگر را به خطر انداخته است. حال اگر ایران، حزب‌ا... و سایر گروه‌ها به سمت جنگ با شدت بالا در سایر جبهه‌ها حرکت کنند، برای اسرائیل بسیار مهم است که استراتژی امنیتی خود را روی پایه قوی تری بازتعریف کند. از همین‌رو گروهی می‌گویند، اسرائیل برای پیروزی در یک جنگ چند جانبه واقعی، باید تمام ابزارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، فناوری، اطلاعاتی و دیپلماتیک را با کمک حیاتی متحدان و شرکاتریک کند. این بازیگر همچنین باید راه‌های جدیدی برای تحمل یک مبارزه طولانی تر و فرسوده بیابد. بالاخص آنکه آینده‌ای هولناک‌تر در کمین اسرائیل قرار دارد. از همان ابتدا، جنگ کنونی اسرائیل شبیه هیچ یک از جنگ‌های پیشین این بازیگر در دهه‌های قبل نبود. روز پس از حمله حماس، اسرائیل برای اولین بار در ۵۰ سال گذشته رسماً اعلام جنگ کرد. از همان ابتدا مشخص بود که این جنگ با عملیات قبلی اسرائیل در غزه متفاوت خواهد بود. این بار اسرائیل اعلام کرد که برای از بین بردن تهدید و جلوگیری از تکرار چنین حملاتی کنترل نوار غزه را به دست خواهد گرفت تا بدین طریق از تسلیح دوباره این گروه جلوگیری کند. برای دستیابی به این اهداف (ادعایی)، تل آویویباید با هماهنگی مصر و سایر شرکا از مرزهای غزه در درازمدت محافظت کند. در عین حال، اسرائیل همچنین باید تلاش می‌کرد تا مانع از پیوستن دیگر اعضای «محور مقاومت»، مانند حزب‌ا... و حوثی‌ها به این جنگ می‌شد؛ اهدافی که در نهایت محقق نشد. با این همه، همین اهداف موجب شد تا اسرائیل رویاروی هفت جبهه جدید قرار بگیرد. در غزه، نیروهای اسرائیلی حملات هوایی و مانورهای زمینی را علیه واحدهای ارتش حماس و ایجاد آزادی عمل ترکیب کردند. در امتداد مرز شمالی با لبنان، آنها در برابر حزب‌ا... موضع تدافعی اتخاذ کردند، بالاخص آنکه این گروه حملات منظم موشکی، پهپادی اش به اسرائیل را شدت بخشیده بود. طی ماه‌های بعد، اسرائیل همچنین عملیات‌های هددفمندی را علیه چهره‌های ارشد حماس و حزب‌ا... در سراسر لبنان از جمله در بیروت انجام داد. با گذشت زمان اسرائیل با کمک ایالات متحده و غرب نیز توانسته پدافند هوایی چندلایه خود را در برابر تهدیدات مستقر کند.

**فصل تازه رویارویی**

در آن باز زمانی اسرائیل با جمعیت و قلمرو نسبتاً کوچک خود، توسط ارتش‌های منظم متعلق به کشورهای عربی بسیار بزرگ‌تر محاصره شده بود. با توجه به نابرابری در پتانسیل انسانی و نظامی بین اسرائیل و دشمنانش، مفهوم امنیت عمومی اسرائیل نیز بر جنگ‌های کوتاه و سرنوشت‌ساز در قلمرو دشمن تأکید داشت.

دوشنبه ۲۶ • ۰۶ • ۱۴۰۳
شماره ۱۹۲۱
سال هفتم
۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

مهدی ذاکریان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

# روسیه و چین شریک و متحد ایران نیستند



**شرقی‌ها فقط می‌خواهند از قبل ایران بهره ببرند**

**با حضور ظریف و عراقچی می‌توان به تغییر**

**در سیاست خارجی امیدوار بود**

**آرمان ملی** - حمید شجاعی: نظام بین‌الملل طی ماه‌های گذشته دستخوش آبستن تغییر و تحولات بسیاری بوده است و از منطقه خاورمیانه و جنگ غزه گرفته تا جنگ اوکراین با روسیه و حواشی پیرامون آن شاهد این تحولات بوده‌ایم، اما در این میان به قرائت برخی: ایران مظلوم واقع شده و حقوقش از دو طرف مورد اجحاف قرار گرفته است. چنانکه از طرفی در مناسبات میان آذربایجان و ارمنستان؛ روسیه پشت آذربایجان ایستاده و بر کریدور جعلی زنگرور تأکید دارد که این کریدور صراحتاً به لحاظ ژئوپلیتیک بر خلاف منافع ملی ایران است. از سوی دیگر نیز شاهدیم که اخیراً باز هم روس‌ها در نشست شورای همکاری خلیج فارس حمایت خود را از امارات متحده عربی در جهت ادعای باطل مبنی بر تسلک جزایر سه‌گانه ایرانی مطرح کرده‌اند. اتفاقاتی که مشخص نیست روس‌ها بر چه اساسی علیه منافع ملی ایران رقم می‌زنند. این در حالی است که در طرف دیگر ما مجرا آمریکا و اروپایی‌ها ایران را به اتهام و ادعایی واهی مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه مورد تحریم قرار داده‌اند. در حالی که این ادعا به گفته مقامات کشورمان از اساس باطل است. در چنین شرایطی عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که دولت جدید ایران

**با توجه به اتفاقات اخیر در حوزه بین‌الملل از**

**مسائل فققاز و کریدور زنگرور گرفته تا جنگ اوکراین و موضع‌گیری روس‌ها و مهم‌تر از آن تحریم ایران از سوی غربی‌ها به جهت حمایت‌هایی که غرب ادعا دارد، ایران از روسیه می‌کند. اوضاع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
مواجهه جامعه بین‌المللی با مسائل تغییرنی نکرده بلکه آنچه تغییر کرده سیاست‌های برخی از کشورهاست والا جامعه بین‌المللی همان هنجارها خود را دارد. هنجارهایی مانند گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و طرفداری از اقتصاد آزاد و حقوق بشر. یک تعداد از کشورها با این هنجارها و ارزش‌ها مشکل دارند و مشکلاتشان به جای اینکه کاهش پیدا کند افزایش پیدا کرد. طبیعی است که جامعه بین‌المللی هم با آنها برخورد کند. حال در این وضعیت در بلوک نزدیک به این هنجارها شکاف‌هایی دیده شده و آن شکاف این است که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روس‌ها سعی می‌کردند برای پیشرفت اقتصادی خود‌شان با احترام به این هنجارها وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند که به نتیجه نرسیدند در نتیجه به استفاده از ظرفیت‌های سیاسی امنیتی و نظامی خودشان در جامعه جهانی ورود پیدا کردند. آن کشورهایی که در اردوگاه آن هنجارها بودند با این وضعیت روسیه شروع به مقابله کردن که اوچش در مساله اوکراین دیده شده و در نهایت حمله نظامی روسیه که با مخالفت جدی سایر اعضای جامعه بین‌المللی روبه‌رو شد. لذا هنجارها ثابت است ولی خب تغییر در رفتار روسیه ایجاد شد.

به تبع روسیه شما می‌بینید که ایران، سوریه، ونزوئلا و کوبا و... در همین اردوگاه خیمه زدند و جمع شدند. از طرف دیگر کشورهایی هستند که مستقل از این مسائل هستند یعنی ممکن است اصلاً به هنجارهای حقوق بشر توجه نداشته باشند و حتی از گروه‌هایی حمایت به بکنند که به زعم همان هنجارهای بین‌المللی آن گروه‌ها را تروریستی می‌داند ممکن است که برخی حتی دنبال سلاح‌های کشتار جمعی هم باشند؛ اما منافع ملی خود را تأمین می‌کنند یعنی هم از روسیه هم از اردوگاه غرب امتیاز می‌گیرند. مانند قطر مانند ترکیه، مصر، اردن، پاکستان، عربستان. خب اینها در قالب هنجارهایی که نام بردم نمی‌گنجد ولی منافع ملی خود‌شان را هم تأمین می‌کنند، اما هرچه می‌گذرد می‌بینیم که قرار گرفتن در چتر یا در اردوگاه روسیه خطری برای هر کشوری است. کشورها به دیگر مثل ترکیه، عربستان، قطر، اردن و مصر در نهایت اگر هنجارهای بین‌المللی را نمی‌پذیرند و بر مبنای تأمین منافع ملی خودشان عمل می‌کنند. محاسباتم کاهش در قطر است؛ اما قطر با روسیه، اوکراین، آمریکا و اسرائیل کار می‌کند، اما رویکردی که ایران انتخاب کرد هیچ کدام از طرف‌های درگیری هم از ایران راضی نیستند یعنی اوکراین، آمریکا و اتحادیه اروپا از ایران عصبانی هستند و ایران را تحریم می‌کنند و روسیه هم در دل ایران را دوست ندارد، چراکه اگر دوست داشت نمی‌گفت جزایر ۳گانه برای

armanmeli.ir



باید در چارچوب یک استراتژی و سیاست خارجی قدرتمند موضع خود را در قبال غربی‌ها و هر چه روسیه و چین مشخص کند تا هر کشوری نتواند به دلایل و ادعاهای واهی به ایران اتهام زده و کشورمان را مورد تهدید و تحریم قرار دهد. در همین راستا برای بررسی سیاست خارجی ایران در دولت جدید، نوع مواجهه روسیه با ایران، احیای برجام یا مذاکرات جدید و آنچه در عرصه دیپلماسی می‌گذرد «آرمان ملی» با مهدی ذاکریان، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و استاد دانشگاه به گفت‌وگو پرداخته است. ذاکریان معتقد است: «هیچ‌کسی جز ملت ایران برای ایران تصمیم نمی‌گیرد. ملت ایران اگر دوست داشته باشد با هر کشوری در دنیا رابطه برقرار می‌کند و به کشور دیگری ربطی ندارد و هیچ کشوری حق تهدید ملت ایران را ندارد. تمام شهادی‌ما در جنگ در دفاع مقدس، تمام شهادی‌ما در دوران مشروطه همه اینها برای استقلال و آزادی و حقوق مردم جان خود را از دست دادند. تمام ملت ایران برای استقلال و تمامیت ارضی ایران یکپارچه هستند. به کسی ربطی ندارد ما با هر کشوری که دوست داشته باشیم و ملت ایران تشخیص دهد رابطه برقرار خواهیم کرد.» این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی: حمید شجاعی: نظام بین‌الملل طی ماه‌های گذشته دستخوش آبستن تغییر و تحولات بسیاری بوده است و از منطقه خاورمیانه و جنگ غزه گرفته تا جنگ اوکراین با روسیه و حواشی پیرامون آن شاهد این تحولات بوده‌ایم، اما در این میان به قرائت برخی: ایران مظلوم واقع شده و حقوقش از دو طرف مورد اجحاف قرار گرفته است. چنانکه از طرفی در مناسبات میان آذربایجان و ارمنستان؛ روسیه پشت آذربایجان ایستاده و بر کریدور جعلی زنگرور تأکید دارد که این کریدور صراحتاً به لحاظ ژئوپلیتیک بر خلاف منافع ملی ایران است. از سوی دیگر نیز شاهدیم که اخیراً باز هم روس‌ها در نشست شورای همکاری خلیج فارس حمایت خود را از امارات متحده عربی در جهت ادعای باطل مبنی بر تسلک جزایر سه‌گانه ایرانی مطرح کرده‌اند. اتفاقاتی که مشخص نیست روس‌ها بر چه اساسی علیه منافع ملی ایران رقم می‌زنند. این در حالی است که در طرف دیگر ما مجرا آمریکا و اروپایی‌ها ایران را به اتهام و ادعایی واهی مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه مورد تحریم قرار داده‌اند. در حالی که این ادعا به گفته مقامات کشورمان از اساس باطل است. در چنین شرایطی عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که دولت جدید ایران

**با توجه به اتفاقات اخیر در حوزه بین‌الملل از**

**مسائل فققاز و کریدور زنگرور گرفته تا جنگ اوکراین و موضع‌گیری روس‌ها و مهم‌تر از آن تحریم ایران از سوی غربی‌ها به جهت حمایت‌هایی که غرب ادعا دارد، ایران از روسیه می‌کند. اوضاع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
مواجهه جامعه بین‌المللی با مسائل تغییرنی نکرده بلکه آنچه تغییر کرده سیاست‌های برخی از کشورهاست والا جامعه بین‌المللی همان هنجارها خود را دارد. هنجارهایی مانند گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و طرفداری از اقتصاد آزاد و حقوق بشر. یک تعداد از کشورها با این هنجارها و ارزش‌ها مشکل دارند و مشکلاتشان به جای اینکه کاهش پیدا کند افزایش پیدا کرد. طبیعی است که جامعه بین‌المللی هم با آنها برخورد کند. حال در این وضعیت در بلوک نزدیک به این هنجارها شکاف‌هایی دیده شده و آن شکاف این است که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روس‌ها سعی می‌کردند برای پیشرفت اقتصادی خود را بهبود بخشند که به نتیجه نرسیدند در نتیجه به استفاده از ظرفیت‌های سیاسی امنیتی و نظامی خودشان در جامعه جهانی ورود پیدا کردند. آن کشورهایی که در اردوگاه آن هنجارها بودند با این وضعیت روسیه شروع به مقابله کردن که اوچش در مساله اوکراین دیده شده و در نهایت حمله نظامی روسیه که با مخالفت جدی سایر اعضای جامعه بین‌المللی روبه‌رو شد. لذا هنجارها ثابت است ولی خب تغییر در رفتار روسیه ایجاد شد.

**به تبع روسیه شما می‌بینید که ایران، سوریه، ونزوئلا**

**و کوبا و... در همین اردوگاه خیمه زدند و جمع شدند. از طرف دیگر کشورهایی هستند که مستقل از این مسائل هستند یعنی ممکن است اصلاً به هنجارهای حقوق بشر توجه نداشته باشند و حتی از گروه‌هایی حمایت به بکنند که به زعم همان هنجارهای بین‌المللی آن گروه‌ها را تروریستی می‌داند ممکن است که برخی حتی دنبال سلاح‌های کشتار جمعی هم باشند؛ اما منافع ملی خود را تأمین می‌کنند یعنی هم از روسیه هم از اردوگاه غرب امتیاز می‌گیرند. مانند قطر مانند ترکیه، مصر، اردن، پاکستان، عربستان. خب اینها در قالب هنجارهایی که نام بردم نمی‌گنجد ولی منافع ملی خود‌شان را هم تأمین می‌کنند، اما هرچه می‌گذرد می‌بینیم که قرار گرفتن در چتر یا در اردوگاه روسیه خطری برای هر کشوری است. کشورها به دیگر مثل ترکیه، عربستان، قطر، اردن و مصر در نهایت اگر هنجارهای بین‌المللی را نمی‌پذیرند و بر مبنای تأمین منافع ملی خودشان عمل می‌کنند. محاسباتم کاهش در قطر است؛ اما قطر با روسیه، اوکراین، آمریکا و اسرائیل کار می‌کند، اما رویکردی که ایران انتخاب کرد هیچ کدام از طرف‌های درگیری هم از ایران راضی نیستند یعنی اوکراین، آمریکا و اتحادیه اروپا از ایران عصبانی هستند و ایران را تحریم می‌کنند و روسیه هم در دل ایران را دوست ندارد، چراکه اگر دوست داشت نمی‌گفت جزایر ۳گانه برای**

**برخی معتقدند که مواجهه روسیه با ایران در قضیه زنگرور با ماجرای جزایر ۳گانه به دلیل ناراضیانی از سیاست دولت جدید در ایران است که بر خلاف نگاه به شرق دولت سابق؛ دولت آنها برای پزشکیان به تعامل با دنیا و مذاکره با غرب هم معتقد است؛ این مساله را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

ناراحت باشند چه ایرادی دارد مگر ما مستعمره روس‌ها هستیم؟ هیچ‌کسی جز ملت ایران برای ایران تصمیم نمی‌گیرد. ملت ایران اگر دوست داشته باشد با هر کشوری در دنیا رابطه برقرار می‌کند و به کشور دیگری ربطی ندارد و هیچ کشوری حق تهدید ملت ایران را ندارد. تمام شهادی‌ما در جنگ در دفاع مقدس، تمام شهادی‌ما در دوران مشروطه همه اینها برای استقلال و برای آزادی و حقوق مردم جان خود را از دست دادند. تمام ملت ایران برای استقلال و تمامیت ارضی ایران یکپارچه هستند. به کسی ربطی ندارد ما با هر کشوری که دوست داشته باشیم و ملت ایران تشخیص دهد رابطه برقرار خواهیم کرد.

**با توجه به دولت جدید و تغییر در رویکرد دولت در سیاست خارجی تعاملات بین‌المللی ایران را چطور می‌بینید؟**

کدام سیاست ایران عوض شده است؛ در مساله تحریم‌ها

آرمان ملی: حمید شجاعی: نظام بین‌الملل طی ماه‌های گذشته دستخوش آبستن تغییر و تحولات بسیاری بوده است و از منطقه خاورمیانه و جنگ غزه گرفته تا جنگ اوکراین با روسیه و حواشی پیرامون آن شاهد این تحولات بوده‌ایم، اما در این میان به قرائت برخی: ایران مظلوم واقع شده و حقوقش از دو طرف مورد اجحاف قرار گرفته است. چنانکه از طرفی در مناسبات میان آذربایجان و ارمنستان؛ روسیه پشت آذربایجان ایستاده و بر کریدور جعلی زنگرور تأکید دارد که این کریدور صراحتاً به لحاظ ژئوپلیتیک بر خلاف منافع ملی ایران است. از سوی دیگر نیز شاهدیم که اخیراً باز هم روس‌ها در نشست شورای همکاری خلیج فارس حمایت خود را از امارات متحده عربی در جهت ادعای باطل مبنی بر تسلک جزایر سه‌گانه ایرانی مطرح کرده‌اند. اتفاقاتی که مشخص نیست روس‌ها بر چه اساسی علیه منافع ملی ایران رقم می‌زنند. این در حالی است که در طرف دیگر ما مجرا آمریکا و اروپایی‌ها ایران را به اتهام و ادعایی واهی مبنی بر ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه مورد تحریم قرار داده‌اند. در حالی که این ادعا به گفته مقامات کشورمان از اساس باطل است. در چنین شرایطی عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که دولت جدید ایران

توانستید سیاست خارجی جدیدی انتخاب کنید؟ در مساله رابطه با کشورها؟ در کدام مساله نگاهتان به جامعه جهانی تغییر کرده است؟ من گفتم هنجارهای جهانی چهار تا پنج عدد است و آقای پزشکیان و تیمش هم که هنوز درباره این مسائل هیچ اعلام موضعی نکرده‌اند. یکی مقابله با تروریسم است. مورد بعدی سلاح‌های کشتار جمعی، ترویج و فعالیت در حوزه بازار اقتصاد یا اقتصاد بازار و اقتصاد آزاد جهانی، گسترش دموکراسی و حقوق بشر و در نهایت حمایت و حفاظت از محیط زیست و تغییرات اقلیمی و گرم شدن زمین است. بعضی کشورها مانند قطر، پاکستان، عربستان، امارات و ترکیه با این هنجارها یا هماهنگ نیستند یا مشکل دارند، اما دشمنی ندارند یعنی در مقابل این هنجارها نایستادند، اما مشکل دارند اما چه سیاستی اتخاذ کردند؟ دنبال تأمین منافع ملی خودشان هستند در تخصص میان طرفداران این هنجار و مخالفان این هنجار سعی می‌کنند امتیاز لازم را در این میان به دست بیاورند و منافع ملی شان تأمین شود. اما ایران در میان هیچ‌کدام از این کشورها نمی‌برده شده نیست یعنی نه موافق این هنجارهاست نه تأمین کننده منافع ملی. نه می‌دانیم که این هنجارها مخاصم است نه می‌دانیم که این وسط می‌خواهند امتیاز بگیرند. آقای پزشکیان نگاه کاری نکرد و فقط یک سری آدم عوض کرد که بعضی از این آدم‌ها همان قبلی‌ها هستند؛ اما با روتوش. بعضی‌ها و تعداد اندکی فرق کردند و آن تعداد اندک هم که ما بگوییم آدم عوض می‌شود در نتیجه رویکرد سیستم تغییر می‌کند این تصور اشتباهی است. از طرفی تاکنون برنامه و سیاست جدیدی ارائه نشده است. آقای خاتمی برنامه و سیاست خارجی جدید داد و گفت: هدف عزت، مصلحت، حکمت و سیاست خارجی بر پایه تنش زدایی و صلحت‌وگویی تمدن‌ها؛ آقای روحانی گفت: هدف عزت، مصلحت، حکمت در سیاست خارجی سیاست‌گذاری بر پایه مقابله با افراط‌گرایی یک جانبه‌گرایی و مقابله با تروریسم یعنی با این چیزها جلو رفتند. اما سیاست خارجی آقای پزشکیان چیست؟ آقای پزشکیان صرفاً می‌گوید برنامه هفتم توسعه و منویات مقام معظم رهبری در حالی که مسئولان در گذشته نیز همین مساله را می‌گفتند. یعنی شما از آقای هاشمی رفسنجانی بگریزد تا آقای خاتمی و سپس تا رئیسی کلیاتی است که ذیل آن هدف قرار می‌گیرد و همان کار را می‌کردند. اما در مورد سیاست این دولت چیزی نه گفته شده نه اعلام شده بنابراین شما نمی‌توانید بگویید که به خاطر سیاست خارجی ایران در دوران آقای پزشکیان دارد عده‌ای در داخل یا عده‌ای در خارج یا آن موافق هستند. چرا که فعلاً اصلاً چیزی اعلام و ارائه نشده است.

**اینکه برخی مطرح می‌کنند شاید آقای پزشکیان بخواهد رویه آقای رئیسی را ادامه دهد چطور موافق این مساله هستید؟**

سیاست خارجی آقای رئیسی چه بود؟ آنچه در مورد

من دیپلماسی منفعل ایران بران‌شان این زمینه را فراهم کرده است؛ زیرا هر از چندگاهی به خودشان جسارت و جرأت می‌دهند که این مسئله را مطرح کنند. این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی خاطرنشان کرد: اگر ما از هر‌م‌های اقتصادی، دیپلماسی، دفاعی و نظامی دست استفاده کنیم، دیگر به خودشان جرأت نمی‌دهند این مواضع را عنوان کنند. حال باید دید دولت چهارم چه تمهیدی را به دست می‌گیرد. وی ادامه داد: نکته دیگر این است که باید بخش عمده‌ای از این ظرفیت اقتصادی را از سمت امارات به‌جای دیگری منتقل کنیم. مازد حال حاضر با چین همکاری می‌کنیم اما برای گرفتن تبادلات پولی بازم هم نقش واسطه‌گری در هم را رعایت می‌کنیم، چراچین کار را می‌کنیم؟ ما می‌توانیم با یون معامله کنیم. الان نفت را می‌دهیم بعد در هم می‌گیریم و بعد آن را به دلار تبدیل می‌کنیم، در صورتی که می‌شود با خود یون کار کرد. بخش بیشتر مبادلات ما با چین است. ظاهر موند گفت: در حال حاضر با روسیه هم داریم وارد شراکت استراتژیک می‌شویم یعنی از همکاری راهبردی در وارد شراکت استراتژیک می‌شویم یعنی از همکاری راهبردی در وارد شراکت استراتژیک می‌شویم هر نیازی که داریم می‌توانیم با روس‌ها مرتفع کنیم. ما بیشتر مواد اولیه مانند کنگاله و گندم می‌خواهیم، امارات برای ما وارد‌های ندارد و یک

سیاست ۷

دولت سیزدهم می‌توان گفت سیاست خارجی نیست. بلکه تلاش معمول همه دولت‌ها برای نزدیکی به همسایگان و نگاه به شرق بود. این چیزی بود که دیدم والا سیاست خارجی تازه‌ای اعلام نکردند. اگر بگوییم نگاه به شرق که سیاست خارجی آقای احمدی نژاد همین بوده یعنی اگر بخوایم بگوییم در بحث سیاست‌گذاری و سیاست خارجی دولت سیزدهم چیز جدیدی ارائه کرد، اما ما هیچ چیز جدیدی ندیدیم. اگر بخوایم بگویید منطقه‌گرایی که هیچ جایی اعلام نشد، اما تلاش برای حل مشکلات با منطقه بوده یعنی عربستان در ایران سفارت نداشت؛ رابطه ایران با کشورهای عربی خیلی مخاصمه آمیز بوده تلاش کرده‌که این مسائل را کاهش بدهد؛ اما در این تلاش هم فعالیت‌های ایران آنطور نبوده که ایران به صورت فعال از سوی خود پیش برود بلکه دیگران و به‌طور مشخص چین آمدند تا مساله ایران را حل‌کند. در مساله هسته‌ای نیز اولیانوف صحبت می‌کند. این یعنی شما در سیاست خارجی آنقدر تعلل کردید که یکی مثل نماینده پتر کبیر مذاکره‌کننده می‌شود و یکی هم از طرف چین حل‌کننده مشکل دو کشور مسلمان شود. لذا ما فعال نبودیم بلکه با دادن امتیاز به کشورهایی که حداکثر بهره را از تحریم ما می‌برند خواستیم که تلاش کنند مسائل ما حل شود در حالی که حل نشد. بعد همان‌ها نیز در جبهه همان دشمنان ما حرف می‌زدند و می‌زنند. یعنی جزایر را چه چین چه روسیه تأیید می‌کردند که امارات بایستی در این موضوع ذی‌حق تلقی شود و نام خلیج فارس را هم که درست اطلاق نمی‌کردند و در مسائل ایران و آذربایجان هم که نوع موضع‌شان مشخص بود، فلذا شما نمی‌توانید بگویید سیاست خاصی بوده است.

**حضور دیپلمات‌های کارکنشته‌ای مثل آقایان ظریف، عراقچی و سنایی را در اطراف رئیس‌جمهور در جهت تغییر سمت‌گیری سیاست خارجی و تعامل و مذاکره با دنیا را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

مسلمانمی‌توان نقش این افراد را انکار کرد منتها مشروط به اینکه همه چیز طبق برنامه‌هایی که مد نظر دارند پیش برود. در آن صورت به اعتقادم که می‌توان به تغییر در سیاست خارجی امیدوار بود. از سوی دیگر مذاکره در هر موضوعی در صورتی که تأمین‌کننده منافع ملی ملت ایران باشد با هر یک از کشورهای عضو سازمان ملل متحد که به رسمیت شناخته شده باشند و اعتبار داشته باشند منعی ندارد به شرطی که تأمین‌کننده منافع ملی ایرانیان باشد. الا شما مذاکره کنید اما تأمین‌کننده منافع ملی کشور نباشد بی‌فایده است. برای حل مشکلات هر ابزار و وسیله‌ای که تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد، خواه مذاکره، گفت‌وگو، میانجیگری و حتی شکایت باشد هر چیزی که به حل مشکلات کمک می‌کند می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. برجام طبق برنامه ۲۲۲ وضعیت حقوقی پیدا کرده و هیچ یک از طرفین نمی‌توانند این را انکار کنند. لذا می‌تواند عین مفاد همان مورد توجه قرار بگیرد یا نه برمی‌گردد به توافقات ایران با طرف‌های برجام که ۱۰۵ است. یعنی بایستی این موضوع را در آن بستر دید که چگونه می‌شود با آنها تعامل کرد و امتیازات لازم را به نفع مردم ایران به دست آورد.

**بسیاری این نکته را مطرح می‌کنند که ایران در قبال برخی کشورها یک راهبرد مشخصی دارد و مشخصاً در مورد چین و روسیه گفته می‌شود ایران خودش را متحد یا شریک استراتژیک این کشورها می‌داند در حالی که آنها چنین برداشتی ندارند. تحلیل شما از این مساله چگونه است؟**

ببینید اگر شما با یک کشور متحد باشید منافع متحدتان را در نظر می‌گیرید. وقتی متحد ایران و چیزهایی که ایران از طرفی که مثلاً ادعا می‌کند متحد است خریداری می‌کنند یا تخفیف حساب می‌شود شما بایستی متوجه این باشید که این نه تنها متحد شما نیست بلکه دوست شما هم نیست و فقط می‌خواهد از قبل شما بهره و امتیاز ببرد. آنهایی که چنین حرفی را می‌زنند چون مسبب این وضعیت هستند چاره‌ای جز تعریف ندارند. روسیه و چین دنبال منافع خودشان و منافع ملت‌شان هستند. حجم تعاملاتی که چینی‌ها با آمریکایی‌ها دارند قابل مقیاسه با حجم تعاملاتی که با ایران دارند آن هم در وضعیت تحریمی که دارند نیست. روسیه با وضعیت انزوایی که الان در دنیا دارد در مقابل سودی یا حمایتی که ایران از موضع روسیه دارد که حالا غربی‌ها مدعی‌اند همراهی و در ایران اعلام می‌شود که ما مخالف جنگیم، اما در ازای آن امتیاز لازم را به دست نیاورده است.

این واقعیت است که نیمی از صحبت از اتحاد کرد اما یکی از طرفین سود کامل را برد و طرف دیگر فقط امتیاز از دست بدهد. این به معنی اتحاد نیست. بازی برد و باخت یعنی یک نفر برنده است و یک نفر بازنده است. بازی ایران و روسیه و چین یکجانبه است. ایران نیاز دارد تا قبل از هر چیز به مردم خودش احترام بگذارد. سپس عرصه همکاری به سوی همه کشورها را باز بگذارد. سیاست خود دربار هنجارهایی که عرض کردم را با شفاف اعلام و بدون تعارض و پارادوکس عملی کند؛ مبارزه با تروریسم، ترویج اقتصاد رقابتی، گسترش دموکراسی و حقوق بشر و نهایتاً حمایت از محیط زیست و توجه به گرم شدن زمین را در دستور کار قرار دهد و با عبور از تحریم توافقی هسته‌ای و اف‌ای تی اف راه‌نیایی کند و سپس چندجانبه‌گرایی را تقویت و حمایت کند و با بیست قدرت اقتصادی دنیا در راستای همکاری به ائتلاف گام بردارد. همزمان نیز بادگان و میدان را موظف به تقویت بنیه دفاعی کشور نماید و وظایف آنان را برابر با قانون اساسی نظارت و اجرایی‌کند.

واسطه است. منتها یکسری افراد و سازمان‌ها هستند که آنجا خیمه زدند و منافع‌شان در آنجاست بنابراین نمی‌گذارند ایران از مولفه اقتصاد و تجارت استفاده کند. باید در قبال ادعاهای مطرح‌شده در مورد ایتوموسی، تنب بزرگ و کوچیک یک مقدار فعالیت‌تر برخورد کنیم. اطلاعاتی‌ها در این حد و اندازه نیستند که بخواهند ادعای غلط خودشان که سابقه‌اش بیشتر از ۱۹۷۳ نیست را مطرح‌کنند. این نماینده مجلس درباره ادعاهای مطرح‌شده در خصوص میدان نفتی آرش و سهم ایران گفت: میدان نفتی آرش جزو حوزه‌های مشترک است، ما این قضیه هر چه سریع‌تر فعال شویم و از قرار فعالیت‌ها وجود دارد اتفاقاً ایران موضع بسیار قوی و فعالانه‌ای گرفته است. ما باید در قسمت آب‌های سرزمینی خودمان فعال شویم. موضوع در حوزه مشترک بسیار روشن است و کسی نمی‌تواند ادعای قانونی داشته باشد.

وی تأکید کرد: همه چیز روشن است و ما طبق اسناد، مدارک و موقعیت جغرافیایی باید در این قضیه هر چه سریع‌تر فعال شویم و از قرار فعالیت‌ها شروع کردیم باید از آنها بخواهیم حدود خودشان را مشخص کنند و مثل قضیه امارات این مساله را فراموش نکنیم. البته ششیدام کویت هم در این ماجرا شروع کرده‌باید دو طرف در یک کمیته مشترک فعال شوند.